

Examining and Criticizing the Effectiveness of the Qur'an from the Covenants

Baqer Riahi Mehr 

Assistant Professor of Quran and Orientalism,
Al-Mustafa International University, Qom, Iran

Abstract


Revelation is the "divine message to the prophets to guide the people". It is the basis and consistency of divine laws and the most valuable heavenly gem on the earth and has an inseparable connection with human nature and destiny. In recent centuries, with the spread of the wave of Islamic studies in the West, the hypothesis of adapting some of the contents of the Qur'an from past religious and literary texts became one of the fields of activity of Orientalists. Explaining this issue is necessary to prove the legitimacy of Islam and Quranic revelation and its superiority over all divine religions. The present dissertation is organized using descriptive and analytical methods and with a critical approach along with collecting and analyzing information to examine and criticize the most important claims and arguments of orientalist about borrowing the Qur'an from past religions and cultures such as Judaism and Christianity. Findings show that Western scholars and orientalist, based on these principles and considering the similarities in the Qur'an and earlier sources such as the Torah and the Bible, have proposed the existing hypotheses about the sources of the Qur'an, none of which are accepted by Muslims. Their claims have methodological problems even on their own merits.

Keywords: Critique of Orientalist Opinions, Quranic Revelation, Sources of Quranic Revelation, Quran Adaptation, Judaism and Christianity Cultures.

Corresponding Author: dr.riahi@chmail.ir

How to Cite: Riahi Mehr, B. (2021). Examining and Criticizing the Effectiveness of the Qur'an from the Covenants, *Journal of Seraje Monir*, 12(43), 235-261.

بررسی و نقد تأثیرپذیری قرآن از عهدین

باقر ریاحی مهر  * | استادیار قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

چکیده

وحی همان «پیام الهی به پیامبران جهت هدایت مردم» پایه و قوام شرایع الهی و ارزنده‌ترین گوهر آسمانی بر دامن زمینیان است و با سرشت و سرنوشت آدمی پیوندی ناگسستنی دارد. در سده‌های اخیر با گسترش موج اسلام‌پژوهی در غرب، فرضیه اقتباس برخی از محتویات قرآن از متون دینی و ادبی گذشته نیز یکی از زمینه‌های فعالیت خاورشناسان قرار گرفت. تبیین این مسئله، لازم و ضروری است تا حقانیت دین اسلام و وحی قرآنی و برتری آن بر تمام ادیان الهی اثبات شود. مقاله پیش رو با بهره جستن از شیوه توصیفی و تحلیلی و با رویکرد انتقادی همراه با گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات سامان‌یافته است و به مهم‌ترین ادعاهای خاورشناسان در مورد وام‌گیری قرآن از ادیان و فرهنگ‌های گذشته همچون یهودیت و مسیحیت، به بررسی و نقد ادله خاورشناسان پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشابهت اجمالی آیات قرآن با آموزه‌های عهدین که عمده‌ترین دلیل مدعیان تأثیرپذیری قرآن از عهدین است اعم از مدعاست. به نظر نگارنده این مشابهت می‌تواند به دلیل وحدت خاستگاه مشترکات این دو کتاب یعنی وحی آسمانی باشد. پژوهش حاضر درصدد اثبات این مطلب است که هیچ‌کدام از دلایل و مستندات مدعیان شبهه نمی‌تواند ادعای آنان را اثبات نماید.

کلیدواژه‌ها: نقد آراء مستشرقان، وحی قرآنی، مصادر وحی قرآنی، اقتباس قرآن، متون ادیان پیشین.

۱- مقدمه

ادیان الهی از یک منشأ واحدی سرچشمه گرفته است و همین امر موجب می‌شود که جوهره اصلی ادیان یکی باشد. در ادیان ابراهیمی وجود قسمتی از مشترکات در زمینه‌های معارف احکام و اعتقادی اخلاقی، قصص، سرگذشت‌ها امری انکارناپذیر است و قرآن کریم به دعوت اهل کتاب به پابندی به مشترکات انکارناپذیر است از سویی دیگر قرآن نزول وحی بر پیامبر را بدعت و امری تازه ندانسته است و اشاره دارد که برخی مطالبی که در صحف اولین و کتاب پیشینیان وجود دارد. این دلایل و عوامل باعث شده است که برخی از مستشرقان بر این باور باشند که قرآن از عهدین اقتباس شده است.

مستشرقان پس از قبول خودآگاه یا ناخودآگاه پیش فرض بشری بودن قرآن، به دنبال تبیین بشری و طبیعی از این پدیده شگفت و یافتن مصادری دنیوی برای آن بوده‌اند. این مسئله در قرن نوزدهم بیش تر مورد توجه اسلام‌پژوهان غربی قرار گرفت. این توجه هم‌زمان با ظهور رویکرد تاریخی و نقد تاریخی متون دینی در غرب بود که هر دینی را برخاسته از شرایط و نیازهای زمانی و مکانی خاستگاه جغرافیایی-تاریخی آن می‌بیند و در همان بستر بررسی می‌کند.

البته کسی ادعای اقتباس در تمام قرآن ندارد چراکه رویدادهای مرتبط با مسلمانان و تعامل ایشان با کافران و غیره که در قرآن منعکس شده قطعاً گرده برداری از سایر منابع نیست.

به جرات می‌توان آبراهام گایگر (Abraham Geiger) یهودی را بنیان‌گذار تبیین علمی نظریه اقتباس‌های قرآن از سایر منابع دینی دانست. کتاب «محمد از متون یهودی چه چیز برگرفته است؟» تأثیرگذارترین نگاه‌ها در تبیین ایده اقتباس قرآن از منابع یهودی به شمار می‌رود. نولدکه ملاحظات این کتاب را هوشمندانه و زیرکانه توصیف کرده است. (نولدکه، ۱۹۱۹ م: ۷۰) البته نقدهایی نیز از سوی برخی اسلام‌پژوهان غربی نسبت به آن مطرح شده است و برخی چون نورمن استیلمن تصویر ارائه‌شده توسط گایگر را اغراق‌آمیز دانسته‌اند. به موازات کار گایگر، ویلیام مویر (۱۹۰۵-۱۸۱۹ م) در کتاب زندگانی محمد و

تاریخ اسلام بر اقتباس قرآن از مسیحیت تأکید کرد. (ریچاردسی، ۱۳۷۷: ۲۳ - ۲۴) تئودورنولدکه (۱۹۳۰-۱۸۳۶ م) زبان‌شناس آلمانی و پدر خاورشناسی نوین، در بخش دوم کتاب «تاریخ قرآن»^۱ با ارائه شواهدی چند، بیش‌تر داستان‌های پیامبران در قرآن، بلکه بیشتر تعالیم و احکام آن را دارای ریشه‌ای یهودی دانست و تأثیر انجیل را کمتر دانست. (نولدکه، ۱۹۱۹ م: ۷)

این رویکرد توسط هارتویگ هرشفلد (Hartwig Hirschfeld) در کتاب «عناصر یهودی در قرآن» (Judische Elemente in Koran, Berlin, 1878) (۱۸۷۸ م)، آلوین اسپرنگر (Aloys Sprenger) در سیره‌ای سه‌جلدی از زندگانی پیامبر به زبان آلمانی تحت عنوان «زندگی و تعالیم محمد» (A. Sprenger: 1861) (۱۸۹۳ م) و مقاله «واژگان دخیل قرآن» (۱۸۵۲ م)، رودولف دوورژاک (Rudolf Dvorak) (۱۹۲۰-۱۸۶۰ م) در «پیوستی در موضوع لغات بیگانه در قرآن» (R. Dvorak: 1884) و «درباره لغات بیگانه در قرآن» (R. Dvorak: 1885) آلفونس مینگانا (Alphonse Mingana) (۱۸۷۳-۱۹۳۷ م) نیز در مقاله «تأثیر زبان سریانی بر سبک قرآن» پیگیری شد. مینگانا پنج درصد واژگان دخیل قرآن را حبشی، ده درصد عبری، ده درصد یونانی رومی، پنج درصد فارسی و حدود هفتاد درصد را از زبان سریانی که زبان علمی مسیحیان آن زمان بود دانست. (A. Mingana, 2002, pp. 174-175)

در قرن بیستم، به جنبه‌های زبان‌شناختی متن قرآن و رابطه آن با سایر متون دینی به سایر زبان‌ها توجهی ویژه معطوف گردید. برخی از آثار نگاشته شده در این دوره عبارتند از:

- کتاب «بازگویی‌های تورات در قرآن»^۲ (۱۹۰۷ م) نوشته ایزرئیل شاپیرو (Israel Shapiro)

- «وابستگی قرآن به دین یهود و نصاری»^۳ (۱۹۲۲ م) نوشته ویلهلم رودولف

1. Geschichte des Qurans.

2. Die Haggadischem Elements in Erzähl. Teil de Korans, Berlin, 1907.

3. W. Rudolph. Die Abhängigkeit des Korans von Judentum und Christentum, Stuttgart, 1922

(Wilhelm Rudolph) آلمانی تبار.

- «نام‌های یهودی و مشتقات آن در قرآن» (۱۹۲۵ م) و «پژوهش‌های قرآنی»^۱ (۱۹۲۶ م) نوشته جوزف هوروویتس (Joseph Horowitz)
- «داستان‌های کتاب مقدس در قرآن» نوشته هاینریش اشپایر (Heinrich Speyer) شاگرد هوروویتس.
- دیوید سیدرسکی (D. Siderskey) محقق فرانسوی در کتاب «اصول اسطوره‌های اسلامی در قرآن و سیره پیامبران». (D. Siderskey, 1933)
- «خاستگاه اسلام در محیط مسیحی‌اش» (R. Bell, 1925: 224) نوشته ریچارد بل (Rochard Bell) که تأثیر فرهنگ مسیحی در افکار پیامبر و قرآن را بررسی نموده است. (R. Bell, p. 90)
- «القرآن و الكتاب» نوشته یوسف دُرّه حداد کشیش لبنانی. (درّه حداد، ۱۹۹۳ م، ۱: ۱۷۳)
- «یهودیت در اسلام: جایگاه کتاب مقدس و تلمود در قرآن و تفاسیر آن: سوره بقره و آل عمران» (Abraham. I. Katsh, 1954: 26) نوشته آبراهام ایزاک کاتش (۱۹۰۶-۱۹۹۸ م) آمریکایی است.
- از آخرین نگاه‌ها در این حوزه باید از کتاب «زمینه تاریخی قرآن» (The Qur'an in its historical context, 2008: 294) با ویراستاری گبریل رینولدز (Gabriel Reynolds) نام برد که مجموعه مقالات مرتبط با این موضوع را گردآوری کرده است. عمده‌ترین مصدر تعیین شده توسط مستشرقان برای قرآن، متون سایر ادیان و به‌ویژه یهودیت و مسیحیت است.
- از آنجا که دین مسیحیت متون اصلی یهودیت را به‌عنوان متن دینی خود به رسمیت می‌شناسد و حتی گروهی خود را مسیحیان یهودی می‌دانند، مسئله اقتباس از این دو دین را در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1. Die biblischen Erzählungen im Qoran, Stuttgart, 1931.

۲- نظریه اقتباس قرآن از منابع یهودی و مسیحی

یهودیت و مسیحیت مهم‌ترین ادیان الهی پیش از اسلام هستند و داستان انبیای آنان و بسیاری از آموزه‌های ایشان در حوزه باورها، احکام شرعی و اخلاقیات تشابه بسیاری با دین اسلام دارد که از نگاه اسلامی امری بسیار طبیعی است چراکه منشأ همه این ادیان خداوند متعال و حکمت بالغه اوست و اگر غیر این می‌بود باید در صحت آن‌ها تردید می‌کردیم؛ اما رویکرد تاریخی نگر مستشرقان این تشابهات را نشانه‌ای از عدم اصالت اسلام و اقتباس از آموزه‌های این دو دین الهی دیده است.

۲-۱- تبیین دیدگاه‌ها

بنابر تحقیقات شپردسون مستشرقان نسبت به استفاده حضرت محمد(ص) از منابع یهودی و مسیحی سه دیدگاه عمده ابراز داشته‌اند:

۱- افرادی چون اشپرنگر منابع مکتوب را مصدر اقتباس قرآن دانسته‌اند. (D. Shepardson, 1890: 211-212)

۲- برخی چون کریستوف گروک بر این باورند که مصدر قرآن سنن یهودی، داستان‌های رایج آن زمان و آموزه‌های مسیحیت جنوب شبه‌جزیره بوده است که به صورت شفاهی در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفته است. (Ibid: 60)

۳- بیشتر تعالیم قرآنی برگرفته از تلمود است و آموزه‌های مسیحی سهم بسیار کمی در قرآن دارند که از طریق منابع یهودی یا کتاب‌های ساختگی و جعلی در دسترس پیامبر (ص) قرار گرفته است. (Ibid: 16) هرچند احتمالاً محمد (ص) نه تنها تلمود را ندیده، بلکه حتی اسم آن را نیز نشنیده باشد. ریشه این دیدگاه را باید در مشابهت آموزه‌ها و اصطلاحات فنی قرآن و تلمود جستجو کرد. (Ibid: 64)

مالک بن نبی در نقد این دیدگاه با استناد به آیه «...قُلْ قَاتُوا بِالَّتَوْرَةِ فَاَتْلُوها اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۱ بر این نکته تأکید می‌کند که در آن زمان در میان عرب کسی قادر به خواندن

۱. سوره آل‌عمران، آیه ۹۳ (بگو: اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید!).

تورات به زبان اصلی نبوده است و ترجمه عربی تورات نیز در دسترس نبوده است. (ابن نبی، ۱۳۷۱: ۳۵۳)

برای بررسی و نقد ادعاهای مذکور می‌بایست به نکات ذیل توجه داشت:

برای اثبات این احتمال لازم است نکات سه‌گانه ذیل اثبات شود:

اول: تقدم زمانی تورات بر قرآن؛ دوم: مشابهت میان آموزه‌های این دو کتاب؛ سوم:

فراهم بودن امکانات و زمینه‌های انتقال و اقتباس و عملی شدن آن.

مطلب اول غیرقابل انکار و مطلب دوم به‌طور نسبی و در برخی از آموزه‌ها پذیرفتنی است، اما دلیل مشابهت، اعم از مدعاست، چراکه می‌تواند معلول وحدت خاستگاه مشترکات این دو کتاب، یعنی «وحی آسمانی» (Divine revelation) باشد، احتمالی که دلایل و شواهد فراوان درون قرآنی و برون قرآنی بر آن دلالت دارد، بنابراین صرف مشابهت میان دو کتاب نمی‌تواند دلیل اقتباس یکی از دیگری باشد، اما مطلب سوم نیز هیچ‌گونه دلیل و شاهد تاریخی برای آن ذکر نشده است.

نمونه‌هایی از اقتباس‌های ادعا شده در قرآن از منابع یهودی عبارتند از:

- یوری روبین در مقاله «نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق» آیه «اقرأ باسم ربك» را شبیه برخی ادعیه عبری توراتی (اشعیا ۴: ۱۲، اول تواریخ ۸: ۱۶، مزامیر ۱: ۱۰۵) دانسته است که در آن‌ها از اسم خداوند استعانت شده است. (Uri Rubin, 1993: 216)

- جولیان بالدیک در مقاله «ریاضت» در دایره المعارف اسلام لایدن این سنت مسیحیت شرقی و شام را از خاستگاه ریاضت قرآنی دانسته است. وی برای نمونه به روزه‌های نافله و واجب رمضان اشاره می‌کند و این دو را رقیق شده روزه‌های سخت راهبان و روزه کفار یهودیان معرفی می‌کند.

- روث رادد (Ruth roded) در مقاله «زنان و قرآن» شخصیت‌ها و داستان‌های قرآن را دارای ریشه‌های توراتی دانسته است.

- کاملیا (Kamelia) در مقاله «تورات» به تفصیل دیدگاه قرآن درباره تورات را شرح می‌دهد و این که قرآن کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند (آل عمران: ۳، شعرا: ۱۹۶،

عنکبوت: ۴۷) و مفسران برخی عبارات قرآن را به طور کامل مطابق متن تورات تشخیص داده‌اند (مانند آیه ۴۵ مائده که قانون قصاص را ذکر می‌کند و آیه ۲۹ سوره فتح که اثر سجود بر پیشانی را نشانه مؤمنان در تورات بیان داشته است) نشانی روشن از تأثیر تورات بر قرآن دانسته است.

- فردریک (Frederick) مؤلف مقاله «آخرالزمان» این که قرآن به رخدادهای آخرالزمانی اشاره‌ای ندارد و مستقیماً به رستاخیز مردگان می‌پردازد را قابل توجه دانسته تصاویر ارائه‌شده در قرآن را یادآور متون آخرالزمانی رسمی و غیررسمی مسیحی و یهودی دانسته است که مطابق فرهنگ عرب تغییر یافته است که برای نمونه می‌توان به وانهاد شدن شتران باردار ده‌ماهه (تکویر: ۴) اشاره کرد.

- پاول کونینچ (Paul Kunizseh) در مقاله «سیاره و ستاره» چنین نتیجه گرفته است که آسمان‌های هفتگانه در قرآن متأثر از دانش‌های کیهان‌شناسی آن زمان نبوده بلکه به نظریه‌پردازی‌های الهیاتی تعلق دارد و شاید متأثر از هفت آسمان مذکور در کتاب عهد مشایخ دوازده گانه (لاوی ۳) و ادبیات تلمودی باشد.

- باربارا فریر استودسر (Barbara Freyer Stowdser) در مقاله «خدیجه» از نقش ورقه‌بن نوفل در تثبیت ایمان محمد (ص) در آغاز بعثت و نیز در اختیار قرار دادن تعالیم مسیحی به آن حضرت سخن گفته است.

- فایرستن در مقاله «ابراهیم» به شباهت‌های فراوان داستان زندگی حضرت ابراهیم (ع) و فرزندانش در قرآن و تورات پرداخته است و البته تفاوت‌های موجود میان این دو را نیز گزارش کرده است. (فایرستن، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۱۰).

در عرصه پژوهش و نگارش درباره خاستگاه قرآن، برخی از مستشرقان آمریکایی، در پی اثبات پندار اقتباس از کتاب‌ها و آموزه‌های ادیان قبلی، به‌ویژه یهودیت و مسیحیت، بودند. این مطلب در آثار افرادی امثال واشنگتن ایروینگ، یعنی کتاب دو جلدی او تحت عنوان «پیامبر و خلفا» که در سال ۱۸۴۹-۵۰ م، در نیویورک منتشر شد قابل مشاهده است. وی در فصل هشتم از جلد اول کتابش، تحت عنوان «نمای کلی از ایمان محمد»، (Irving,

48-54) دربیانی به صراحت جدلی، قرآن را برگرفته از کتاب مقدس، به ویژه، از میشنا و تلمود عهد عتیقِ یهودیت معرفی می‌کند. با این وجود، ایروینگ شیفته زیبایی‌های ادبی قرآن نیز می‌باشد و ضمن اشاره به آیاتی از قرآن، از جمله سوره تکویر، آیه الکرسی و ...، بر ویژگی زیبایی قرآن و نیز مهربانیت و رحمانیت خالق آن تأکید می‌کند. (Einboden, 2009: 3)

در میان قرآن‌پژوهان آمریکایی، چارلز کاتلر توری (۱۸۶۳-۱۹۵۶)، به رغم وجود نوعی تغییر نگرش در آثارش، در نهایت سر از پندار اقتباس درمی‌آورد. او در اثری با عنوان «اصطلاحات کلامی - تجاری در قرآن» که در سال ۱۸۹۲ م منتشر شد، (Torrey, 1892: 14-17, 20-21, 27, 41, 41) در ابتدای بحثش مدعی است که الهیات قرآنی در فضایی تجاری شکل گرفته است و واژگان حاکی از این مفاهیم تجاری، بدون استثنا، دارای ریشه محلی (عربی) هستند و از زبان‌های دیگر وام گرفته نشده‌اند؛ و به کنایه متذکر توسل و استناد بیش از حد همفکرانش به پندار اقتباس شده و بیان می‌کند که ما به پندار اقتباس معتاد شده‌ایم. (Ibid: 63) اما در ادامه بحث خودش نیز پیوسته در پی خاستگاه‌های مضامین و معارف قرآنی در منابع عهدینی، به ویژه توراتی، است. (Ibid: 14-17, 20-21, 27, 41)

وی در مقاله‌ای با عنوان «سه فقره مشکل در قرآن»، (Torrey, 1922: 457-471) به موضوع آیات مشکل و بحث تصحیف و تحریف نیز ورود کرد. توری با کتاب «بنیان یهودی اسلام» (Torrey, 1933) که در سال ۱۹۳۳ م در نیویورک نشر یافت، نشان داد که پیش فرض اولیه او نیز پندار اقتباس بوده؛ او در این اثر، ضمن تصریح به مردودیت فرضیه‌ای که می‌گفت مسیحیت خاستگاه اصلی اسلام است، در پی اثبات فرضیه خود، مبنی بر خاستگاه یهودی اسلام و قرآن برآمد. (Torrey, 1933: 5-6)

آبراهام آیزاک کاش (۱۹۰۸-۱۹۹۸)، یهودی آمریکایی - لهستانی از دیگر افرادی بود که با پندار اقتباس به عرصه اسلام‌شناسی ورود کرد. او در سال ۱۹۵۴ م، اثری را با عنوان «یهودیت در اسلام: پس‌زمینه‌های عهدینی و تلمودی قرآن و تفاسیرش» (Katsh, 1954) در نیویورک منتشر کرد که در سال ۱۹۶۲ م، همان اثر با عنوانی جدید «یهودیت و

قرآن: پس‌زمینه‌های عهدینی و تلمودی قرآن و تفاسیرش» (Katsh, 1962) بازنشر یافت. وی در این اثر آیات دو سوره «بقره» و «آل عمران» را در منابع عهدینی، به‌ویژه عهد قدیم و دیگر آثار و سنت یهودی، ردیابی می‌کند و در پی اثبات اقتباس و گرت‌برداری قرآن از آن‌هاست.

بحث کشف و تبیین خاستگاه قرآن پیوسته یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تحقیقی قرآن‌پژوهان غربی بوده و هست. این بحث در سه دهه پایانی سده بیستم، از سوی جان ونزبرو (۱۹۲۸-۲۰۰۲)، محقق آمریکایی لندن نشین و شاگردانش، پاتریشیا کرون (۱۹۴۵-۲۰۱۵) و مایکل کوک (متولد ۱۹۴۰)، مجدداً وارد مباحث قرآنی شد.

ونزبرو با آثاری مثل «مطالعات قرآنی» (Wansbrough, 1977) که در ۱۹۷۷ توسط انتشارات آکسفورد منتشر شد و در آن منابع و روش‌های مختلف تفسیری بررسی شد و نیز «محیط فرقه‌ای» (Wansbrough, 1978) که در واقع، ادامه دیدگاه وی در مطالعات قرآنی بود و در ۱۹۷۸ منتشر شد، در پی نقد منابع سنتی قرآن برآمد.

مایکل کوک (متولد ۱۹۴۰، انگلستان)، در کنار آثاری مانند «هاجریم»، با همکاری خانم کرون و یا «امربه‌معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»، در سال ۲۰۰۰ میلادی اثری را در معرفی قرآن به نام «درآمدی مختصر بر قرآن» (The Koran: A Very Short Introduction, 2000) نیز چاپ کرد. در این اثر مختصر، مایکل کوک، در چهار بخش و چهارده فصل به مباحث اصلی مرتبط با قرآن می‌پردازد؛ وضعیت و جایگاه قرآن در دنیای مدرن؛ جایگاه قرآن در دنیای سنتی مسلمانان و موضوع شکل‌گیری قرآن از محورهای اصلی این اثر است.

دائر، در کتاب جدیدش با عنوان «محمد و مؤمنان: درباره خاستگاه‌های اسلام» (Donner, Fred, 2010) که از سوی انتشارات دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، نشان داده که نظریه او درباره خاستگاه اسلام، دیدگاهی میان دیدگاه سنتی اسلام و دیدگاه شک‌گرایان متمایل به تأخر تثبیت اسلام و قرآن، است. بنابراین، در مقابل نقطه قوت تحقیقات وی مبنی بر مقابله با جریان شک‌گرایی، باید گفت که دیدگاه وی دارای

اشکالاتی نیز است. شاید بتوان گفت که نقطه کلیدی دیدگاه وی در این کتاب این است که از نظر او محمد (ص) رهبری و ساماندهی نهضت مؤمنانِ موحد، اعم از یهودی، مسیحی و دیگران را بر عهده داشته و هدفش تأسیس دین و مذهب جدیدی به نام اسلام و یا هر اسم دیگری نبوده است. (ibid: 56-90) ظهور این نهضت مؤمنانِ موحد، به مثابه یک دین توحیدی جدید قریب به یک سده طول کشیده و به ویژه در زمان حکومت عبدالملک مروان (حکومت ۶۵ تا ۸۶ ه. ق)، با افزایش اخراج یهودیان و مسیحیان از جامعه مؤمنان و تأکید خاص بر نقش محمد (ص) به عنوان پیامبر و نیز نقش قرآن، شکل‌گیری دین اسلام تسریع و تکمیل شد. (علوی، ۱۳۹۸: ۲۱۲-۲۰۹)

یکی از دیدگاه‌های تازه در مسئله اقتباس از منابع اهل کتاب توسط خانم پاتریشیا کرونه یکی از اسلام‌شناسان معاصر مطرح شده است. وی در مقاله‌ای تحت عنوان «مسیحیت یهودی و قرآن» (P. Crone, 2015) که در دو قسمت تنظیم شده این نظریه را مطرح کرده است که قرآن کریم برگرفته از آراء و آثار مسیحیان یهودی است که در جزیره العرب زندگی می‌کرده‌اند. اصطلاح «مسیحیت یهودی» (Jewish Christianity) یک اصطلاح مدرن است که به اعتقاد آن دسته از پیروان حضرت عیسی (ع) اشاره دارد که او را جزئی از عهد خداوند با بنی‌اسرائیل می‌دیدند و نه به عنوان وعده‌ای که خداوند برای نجات بنی‌اسرائیل بسته بود و آن را به غیر یهودیان (Gentiles) منتقل ساخت. برخی از آنان عیسی را پیامبر می‌دانستند و برخی یک قدرت الهی؛ اما همگی آنان هویت یهودی خویش را حفظ نموده و به شریعت یهود عمل می‌کردند. (Crone, 2015: 225)

پاتریشیا کرونه در مقاله «مسیحیت یهودی و قرآن» (Jewish Christianity and the Qrr 'nn) که در دو بخش منتشر شده است بر این باور است که در صورت عدم پذیرش نقش مسیحیت یهودی در قرآن توضیح چهار مسئله دشوار خواهد بود:

۱- عیسی در قرآن پیامبری است که برای بنی‌اسرائیل فرستاده شده است و نه غیر

یهودیان.

۲- به نظر می‌رسد اصطلاح «بنی‌اسرائیل» در قرآن شامل مسیحیان نیز می‌شود.

۳- از دیدگاه قرآن حضرت عیسی در جایگاه بعد از حضرت موسی قرار گرفته و وظیفه‌اش تأیید تورات است.

۴- قرآن بر این نکته تأکید دارد که عیسی فقط یک انسان است و نه پسر خدا. دو نکته دیگر نیز وجود دارد که گرچه به باور سایرین اشاره به گروه‌های دیگری غیر از مسیحیان یهودی دارد اما به نظر کرونه در همان راستا هستند:

- ۱- مخالفان پیامبر اسلام (ص) هم مریم و هم عیسی را موجودات الهی می‌دانستند.
- ۲- گرچه به نظر می‌رسد قرآن وفات عیسی را می‌پذیرد اما تصلیب او را تجسم مثالی (Docetism) می‌داند و طبق آیات قرآن این عیسی نبود که مصلوب شد، بلکه امر بر آنان مشتبه شد. (Crone, 2015: 228-229)

او بر این باور است که اندیشه‌های دیگری همچون تولد عیسی از باکره و از نسل هارون بودن مریم نیز ریشه در عقاید مسیحیان یهودی دارد. همچنین احتمال می‌دهد سلسله انبیا در قرآن مرتبط با الخسائیه و سایر مسیحیان یهودی باشد. دو باور دیگر در قرآن وجود دارد که او در تضاد با دیدگاه غالب مسیحیت معرفی می‌کند اما برخاسته از عقاید مسیحیت یهودی نمی‌داند:

- ۱- تولد حضرت عیسی زیر درخت خرما و نه در غار یا اصطبل.
 - ۲- گرچه قرآن عیسی را مسیح و کلمه می‌خواند اما ویژگی‌هایی که مسیحیان برای مسیح‌های خود قائل‌اند را نمی‌پذیرد و او را لوگوس (*logos*) در معنای مسیحی‌اش معرفی نمی‌کند. (Crone, 2015: 228-229)
- او در مجموع چنین نتیجه می‌گیرد که هیچ بُعدی ندارد که مسیحیان یهودی در عربستان وجود داشته‌اند. (Crone, 2015: 229)

۲-۲- اشکالات کلی نظریه تأثیرپذیری قرآن از عهدین

نظریه اقتباس دچار اشکالات مهمی است که پژوهشگران بسیاری با بهره جستن از روش‌ها و شیوه‌های درون دینی و برون دینی به بطلان آن متقاعد ساخته است. عمده این اشکالات عبارتند از:

الف: سرچشمه واحد ادیان الهی

علت اشتراک مضامین قرآن با کتب آسمانی پیشین و نه تورات فعلی، این است که از دیدگاه قرآن پیام اصلی همه ادیان یک چیز بیش نیست و آن ایمان به خدا و تسلیم شدن در برابر اوست: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)؛ «در حقیقت دین نزد خدا، اسلام است»، (آل عمران / ۱۹)؛ (قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ)؛ «بگو: (من) نو آمدی از فرستادگان (خدا) نیستم»، (احقاف / ۹)؛ (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ)؛ «و به یقین، در هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا بگوید) که خدا را پرستید؛ و از طغیانگر (آن و بت‌ها) دوری کنید»، (نحل / ۳۶)؛ (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ)؛ «و پیش از تو هیچ فرستاده‌ای را نفرستادیم، جز این که به سوی او وحی کردیم که در حقیقت هیچ معبودی جز من نیست؛ پس [مرا] پرستش کنید»، (انبیاء / ۲۵)؛ (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ)؛ «برای شما مقرر کرد از دین، آنچه را که نوح را بدان سفارش کرد و آنچه را به سوی تو وحی کردیم و آنچه را که ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌افکنی نکنید»، (شوری / ۱۳).

ب: عدم دسترسی پیامبر (ص) به منابع مکتوب اهل کتاب

تحقیقات جدید نشان از آن دارد که نه تنها ترجمه‌های عربی که حتی نسخه‌های زبان اصلی منابع یهود و مسیحیت در دسترس پیامبر (ص) نبوده است. آنچه امروزه تحت عنوان انجیل در دسترس است نگاشته‌هایی از زندگی و سخنان حضرت عیسی (ع) است که ده‌ها سال پس از وفات آن حضرت تدوین شده است. گفته می‌شود اناجیل هم‌نوا به‌ویژه متی و لوقا از منبعی که «Q» نامیده می‌شود برگرفته شده‌اند که مخفف کلمه آلمانی «Quelle» به معنای سرچشمه و منبع است. دو انجیل دیگر از اناجیل اربعه، مرقس است که در حدود ۶۵-۷۰ میلادی نوشته و یوحنا که آخرین انجیل و نوشته شده در اواخر قرن اول میلادی است. (پویا، ۱۳۵۸: ۱۰۴)

وجود این اناجیل به زبان اصلی یا به ترجمه عربی در آستانه بعثت پیامبر (ص) به‌طور

قطعی توسط هیچ شاهد تاریخی معتبری تأیید نشده است. برخی از مستشرقان مانند نیل رابینسون بر این باورند که معجزه دمیدن روح در هیکل پرنده و زنده شدن آن در «داستان طفولیت توماس» آمده که ترجمه سریانی آن در دوره قبل از اسلام وجود داشته است. داستان خرما و نهر آب در انجیل لاتین با عنوان «انجیل ثانوی متی» و داستان سخن گفتن عیسی در گهواره در «انجیل عربی طفولیت» آمده است. البته او تصریح می‌کند که این دو در شکل فعلی‌شان، مربوط به بعد از عصر نزول قرآن‌اند. (رابینسون، ۱۳۸۳: ۱۶۵)

سیدنی گریفیت (Sidney H Griffith) نیز حاصل پژوهش‌های خویش در این باره را این‌گونه گزارش داده است:

قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی شناخته‌شده و تاریخ‌گذاری شده حاوی ترجمه عربی از عهد جدید در مجموعه صومعه سنت کاترین در طور سینا وجود دارد. مجموعه عربی شماره ۱۵۱ سینا شامل نسخه‌های عربی نامه‌های پولس، اعمال رسولان و نامه‌های پدران کلیسا است. این نسخه‌ها، قدیمی‌ترین موارد تاریخ‌گذاری شده از عهد جدید هستند. آخرین صفحه از این مجموعه مشخص می‌کند که بسربن سیری این ترجمه را از سریانی به عربی، در رمضان سال ۲۵۳ ق مطابق با ۸۶۷ م انجام داده است. (Sidney H Griffith, 1985: 131-132)

کهن‌ترین نسخه از اناجیل چهارگانه را که با شماره ۷۲ در همان مجموعه نگهداری می‌شود در سال ۲۸۴ ق مطابق با ۸۹۷ م نگارش یافته است و در نتیجه هیچ شاهدهی بر وجود انجیل عربی در عصر پیامبر وجود ندارد. (Ibid: 66)



تصویری از مجموعه ۱۱۹ صفحه‌ای عربی سینا از انجیل به زبان عربی به شماره ۷۲، نوشته شده در محرم ۱۸۴ ه.ق به خط کوفی قدیم توسط استفان معروف به الرملی. (Khalid al- Khazraj, 1939:)

(133-134)

عهد قدیم نیز داستانی مشابه در عربستان پیش از اسلام دارد. به اذعان پژوهشگران گسترش زبان عربی پس از پیروزی‌های اسلام صورت گرفت و از آن به بعد بود که یهودیان و

مسیحیان در سرزمین‌های فتح‌شده نیازمند ترجمه کتاب مقدس به عربی گشتند و پیش از آن چنین ترجمه‌ای وجود نداشته است. (Khalid al- Khazraj 1988, 1044)



تصویری از قدیمی‌ترین نسخه عربی عهد قدیم مربوط به نیمه اول قرن نهم میلادی موجود در موزه بریتانیا به شماره ۱۴۷۵.

۲-۳- بررسی برخی از موارد ادعایی اقتباس

افزون بر اشکالات کلی نظریه اقتباس قرآن از منابع یهودیت و مسیحیت، در بسیاری از موارد ادعاشده متناسب با موضوع و منابع ادعاشده برای اقتباس، نقدهای ویژه‌ای نیز قابل ارائه است. در این بخش به بررسی برخی از این موارد پرداخته می‌شود.

الف: داستان هاییل و قایل

داستان تقابل دو فرزند حضرت آدم (ع)، یعنی هاییل و قایل از جمله مواردی است که مستشرقان به‌عنوان نمونه‌ای از اقتباس قرآنی بررسی کرده‌اند. سرگذشت این دو برادر در آیات ۳۲-۲۷ سوره مبارکه مائده آمده است.

ویلیام تسدال مصدر مورد استفاده قرآن در بخش گفتگوی هاییل و قایل را دو منبع یهودی، ترگوم جانانان و ترگوم اورشلیم، از عهد قدیم (سفر تکوین، ۴:۸) و مصدر آیاتی که در مورد فرستادن کلاغی توسط خداوند برای تعلیم دفن هاییل به قایل است را مشابه متن «پیرقاری الیعزر» می‌داند. (Tisdall William St. Clair, 1912: 63) او همچنین می‌شنا سنهدرین (۴:۵) را مشتمل بر کل این داستان دانسته است. (ibid, 1912: 65) این ادعا توسط افرادی دیگر همچون انیس شروش (A. A. Shorrosh) و متین ایلاس (M. Ellass) نیز تکرار شده است. (A. A. Shorrosh, 1988: 201-203)

در نقد این نظریه به بررسی هر کدام از منابع پیشنهاد شده برای اقتباس می‌پردازیم:

۱- ترگوم جانانان (یا ترگوم اورشلیم)

این نوشته منسوب به جانانان بن یوزیا است و اولین کسی که جانانان بن یوزیئل را نویسنده آن دانسته منابین رکاناتی (Menahen Recanati) (حدود ۱۲۵۰-۱۳۱۰ م) است؛ اما به عقیده پژوهش‌گران، نویسنده واقعی این ترگوم ناشناس است. مایکل ماهر (Michael Maher) مترجم این اثر اذعان داشته است که این ترگوم مشتمل بر نکات تاریخی است اما بسیاری از پژوهشگران شکل‌گیری فرم نهایی آن را مربوط به دوره پس از تسخیر خاورمیانه توسط اعراب می‌دانند. دکتر اسپلانسکی (Splansky) با ارائه شواهدی متعدد زمان نگارش

آن را قرن ۹ و ۱۰ میلادی دانسته است. (M. S. M. Saifullah, 1992: 11-12)
دائرةالمعارف یهودی (۱۹۰۵ م) نیز اعتراف نموده که این نوشته قبل از قرن ۷ میلادی
نمی‌تواند نگارش یافته باشد. (Targum", 1906: p. 60)
نکته دیگر این که این ترگوم در قرون میانه پیداشده و گرچه از قرن ۱۱ م نقل‌هایی از
آن شده، اما تنها نسخه خطی موجود در کتابخانه بریتانیا است که به قرن ۱۶ م برمی‌گردد.

۲- کتاب ربی الیعزر (۸۰-۱۱۸ م)

همان‌طور که بیان شد، کتاب ربی الیعزر مصدر ماجرای فرستاده شدن کلاغ و آموزش
تدفین جنازه به قایبل معرفی شده است. (Tisdall William St. Clair, 1912: 64) اما تأمل
در این نوشته به روشنی عدم امکان استفاده از آن توسط پیامبر (ص) را آشکار می‌سازد. به
گفته دائرةالمعارف یهودیت (۱۹۰۵ م) در انتهای قسمت سی‌ام این کتاب به سه پیروزی
بزرگ پیروان محمد (ص) در فتح عربستان، اسپانیا و روم اشاره شده و اسامی فاطمه و
عایشه در کنار اسماعیل به کاررفته که نشان می‌دهد کتاب در زمان حاکمیت و تسلط اسلام
بر آسیای صغیر نگارش یافته است؛ بنابراین انتساب آن به الیعزر (۸۰-۱۱۸ م) نادرست
است. (Pirke De-Rabbi Eli'ezer, 2012: 59)

از این رو نورمن استیلمن (Norman Stillman) با اشاره به این موضوع می‌نویسد:

در اقتباس قرآن از یهودیت بسیار اغراق شده است. امروزه با شناخت دقیق‌تر منابع
اسلامی و یهودی بهتر از زمان گایگر پژوهش‌های این چنین انجام می‌شود و روشن شده که
بسیاری از موارد ادعایی تأثیر ادبیات یهودی بر متون اسلامی کاملاً غیر صحیح است. برای
نمونه کتاب الیعزر تنظیم نهایی خود را پس از ظهور اسلام یافته است. (M. S. M.)
(Saifullah, 1974: 231)

۳- می‌دراش تنحوما

پس از روشن شدن ضعف دو دیدگاه قبلی، استیلمن می‌دراش تنحوما را به‌عنوان مصدر
دقیق‌تری برای این داستان معرفی نموده است. (Ibid: 236)

بررسی و نقد تأثیرپذیری قرآن از عهدین؛ ریاحی مهر | ۲۵۳

می‌دراش تنحوما چاپ و اصلاح مجدد از یک تفسیر موعظه‌آمیز از اسفار تورات است. (M. S. M. Saifullah, 1996: 10)

این می‌دراش اولین بار در سال ۱۸۸۵ م از روی نسخه خطی دانشگاه آکسفورد (۲۰ OPP) در سه جلد منتشر شد و در مقدمه آن ادعا گردید که این می‌دراش مربوط به قبل از اسلام بوده است؛ اما افرادی چون لئوپولد تسونتس (Leopold Zunz) (۱۷۹۴-۱۸۸۶ م) (L. Zunz, 1892: 246-247) و میر واکسمن (Meyer Waxman) این دیدگاه را نپذیرفتند و تاریخ می‌دراش تنحوما را متعلق به نیمه اول قرن ۹ م دانستند. (M. S. M. Saifullah, 1960:139)

ب: داستان ابراهیم و بت‌ها

یکی دیگر از مصادیق ادعایی اقتباس قرآن از متون اهل کتاب داستان حضرت ابراهیم (ع) است که در سوره‌های انعام آیات ۷۴-۸۴، انبیا، آیات ۵۱-۷۳ و صافات آیات ۸۳-۱۱۳ ذکر شده است. گایگر (J. W. Sweetman, 1945: 10. Dr. A. A. Shorrosh, 1988, 205. R. Morey, 1992, 149) و یلیام سنت کلر تسدال (۱۸۵۹-۱۹۲۸ م)، سوئیتن، انیس شروش، رابرت موری، متین ایلاس، عبدالحق، کاپلستون، نورمن گایسلر (Norman Geisler) و عبدالصلیب (Abraham Geiger, 1954: 96) می‌دراش تکوین ریاح را مصدر اقتباس قرآن در این داستان می‌دانند.

برخی دیگر نیز مصادری چون سؤالات عبری درباره تکوین، مجموعه سوری و کتاب جویلیز را پیشنهادهاى بهتری دانسته‌اند. در نقد این نظریه باید توجه داشت که:

۱- با توجه به مطالب پیش‌گفته، متن و محتوای داستان ابراهیم و بت‌ها در قرآن و می‌دراش ریاح تفاوت‌های زیادی دارند که نمی‌توان به راحتی یکی را مصدر دیگری پنداشت.

۲- کتاب می‌دراش تکوین ریاح تفسیری از کتاب اول تورات (سفر پیدایش) است، اما دانش‌نامه یهود تعیین تاریخ دقیق ویرایش آن را دشوار خوانده و زمان احتمالی آن را

بعد از تدوین تلمود اورشلیم دانسته است. هری فریدمن مترجم جلد اول این کتاب و لئوپولد زونز نیز بر این نکته توافق دارند که ویرایش این اثر در قرن ششم میلادی بوده و حتی پس از آن نیز بر متن کتاب افزوده شده است. لویس بارت نیز هم اصل متن و هم سند این کتاب را نامشخص می-داند و جز حدس و گمان راهی برای آن نمی-بیند. وی علت این امر را این گونه تبیین نموده است:

برخلاف قوانین سفت و سخت استنساخ از کتاب مقدس، نسخه برداری از متون تفسیری یهود ضوابط سختی نداشته و از این رو گاهی ناسخ اضافات و تغییراتی از پیش خود انجام می-داده است. از این رو نسخه واتیکان ۳۰ نمی-تواند انعکاس مطمئنی از اصل کتاب باشد، چراکه میان زمان نگارش برشیت رباح و تألیف کتاب واتیکان ۳۰ پنج قرن فاصله وجود دارد که احتمال اضافه یا کم شدن و یا تغییر متون دشوار توسط ناسخان را افزایش می-دهد. (L. M. Barth, 1973: 81-82)

بنابراین، حتی اگر گردآوری این کتاب را مقارن زمان حیات پیامبر (ص) در قرن ششم و هفتم میلادی بدانیم باز هم به دلیل احتمال تحریف به اضافه در آن وجود دارد و نمی-توان به طور یقینی آن را متقدم بر قرآن کریم دانست، بلکه رودی پارت (۱۹۸۳-۱۹۰۱ م) استاد گروه خاورشناسی دانشگاه توپینگن آلمان نیز بر این باور است که اقتباس معکوس در این داستان صورت گرفته و در برخی از موارد، سنن و آثار متأخر یهودی تحت تأثیر قرآن و روایات اسلامی بوده است.

۳- مستندات ویلیام تسدال را برای اثبات اقتباس داستان حضرت ابراهیم (ع) کتاب *عرائس المجالس ابواسحاق ثعلبی و المختصر فی اخبار البشر ابوالفداء است*؛ اما این دو کتاب از منابع دسته اول و قابل اعتماد نیستند.

۴- مجموعه تفسیری *سوری* در سال ۸۶۱ م تدوین شده و بیشتر مطالب کتاب از یعقوب *یدسا* (Jacob of Edessa) (۶۴۰-۷۰۸ م) نقل شده که زمان حیاتش متأخر از پیدایش قرآن است و نمی-توان سخنان وی را مصدر قرآن دانست. (Dirk Kruisheer & Lucas Van rompay, 1998)

۵- کتاب جوبیلیز (مناسبت‌ها) شرح رخدادهای تاریخی است که بنا بر دوره‌های جوبیلی ۴۹ ساله مرتب شده است. توجه در داستان حضرت ابراهیم در این کتاب و قرآن کریم تفاوت‌های زیر بین این دو گزارش را آشکار می‌سازد:

- در این کتاب پدر ابراهیم به‌طور ضمنی با او در مورد نادرستی پرستش بت‌ها موافق است.

- ابراهیم بت‌ها را به آتش می‌کشد اما در قرآن، آن‌ها را می‌شکند.

- هیچ‌کس از شکستن بت‌ها توسط ابراهیم باخبر نمی‌شود و او نجات می‌یابد اما در قرآن، او به کیفر کارش او را در آتش می‌اندازند و ماجرای سرد و سلامت شدن آتش بر او پیش می‌آید.

۵- به اذعان ویلفرد اسمیت (Wilfred Cantwell Smith) (۱۹۱۶-۲۰۰۰ م) استاد ادیان تطبیقی دانشگاه تصویر ابراهیم در قرآن، منسجم‌ترین، قوی‌ترین، فصیح‌ترین و از نظر معنوی، معنادارترین تصویر در سه متن دینی است (Wilfred Cantwell Smith, 1999, p. 186) در حالی که پیامبر اسلام (ص) برخلاف نویسندگان سایر متون ذکر شده، در محیط علمی پرورش و تعلیم نیافته بود و به منابع کتابخانه‌ای و ... دسترسی نداشته است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله را می‌توان در مطالب ذیل فهرست کرد:

در مجموع دو مصدر عمده که عبارت است از: منابع دینی یهودیت و مسیحیت، توسط آنان پیشنهاد شده و شواهدی برای آن ذکر شده است. همه این موارد را می‌توان تحت عنوان «نظریه اقتباس» دید و افزون بر نقدهای ویژه‌ای که بر هر کدام از موارد فوق ذکر شد، در این بخش مناسب است اشکالات کلی که متوجه این نظریه است را بیان نمود.

۱- یکی از مهم‌ترین اشتباهات خاورشناسان در بررسی قرآن کریم، در نظر گرفتن آن به‌عنوان یک متن تماماً بشری است که هیچ‌گونه عامل ماورایی در شکل‌گیری آن تأثیری نداشته است. از این رو آنان هم در تبیین ماهیت آن به خطا رفته‌اند و هم به خطا در پی منابع و مصادر زمینی آن گشته‌اند و همواره در این تلاش خویش ناکام مانده‌اند. البته

معدود خاورشناسانی هستند که با وقوف به این اشتباه سعی در اصلاح مسیر اسلام پژوهی در غرب داشته‌اند.

۲- دین یا مکتب فکری خاورشناسان در دیدگاه‌های آن‌ها تأثیر داشته است. به طور مثال، بدیهی است که خاورشناس کمونیستی چون ماکسیم رودنسون نمی‌تواند قرآن را پیامی الهی و وحیانی تلقی کند که خداوند به طور مستقیم یا با واسطه فرشته‌ای به نام جبرئیل بر قلب پیامبر اکرم (ص) نازل کرده است. او خود تصریح می‌کند که یک ملحد است و نمی‌تواند پیامی را به عنوان این که ریشه‌ای فرا انسانی دارد بپذیرد. می‌توان کسانی را که در این حوزه سخن گفته‌اند در موارد زیر طبقه‌بندی کرد:

دسته اول: کسانی که اساساً اعتقادی به خداوند، غیب و وحی و مانند آن ندارند، مانند: ماکسیم رودنسون و برخی دیگر از خاورشناسان روسی.

دسته دوم: کسانی که به خدا و غیب و وحی ایمان داشته اما پیامبر اسلام را پیامبر حقیقی که مرتبط با غیب بوده است نمی‌دانند، مانند: گایگر و نولدکه.

دسته سوم: کسانی که وحیانی بودن قرآن را نیز قبول دارند، مانند: مونتگمری وات و یوسف حداد. بیشتر آثار سنتی خاورشناسان، بر پیش فرض بشری و غیر الهی بودن قرآن استوار است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد..

ORCID

Baqer Riahi Mehr



<https://orcid.org/0000-0002-6476-0776>

منابع

قرآن کریم

- پویا، اعظم. (۱۳۵۸). *مواجهه قرآن با فرهنگ مسیحیت*، تهران، هستی نما.
- تثودور نولدکه. (۱۹۱۹ م). *تاریخ القرآن، الطبعة الثانية*، مکتبه دار نشر دیتریش، الجزء الثاني جواد، علی. (۱۴۱۳ق). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، نشر جامعه بغداد، چاپ دوم،
- جوزف هوروویتز. (۱۹۲۵). *اسامی و مشتقات خاص یهودیان در قرآن، سالانه کالج عبری*، سال ششم. ۱۱، اوهایو
- دره حداد، یوسف. (۱۹۹۳ م). *القرآن و الكتاب*، بیروت: المکتبه البولسیه
- بل، ریچارد.، بازنگری: مونتگمری وات. (۱۳۸۲ ش). *درآمدی بر تاریخ قرآن*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چاپ اول، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان های خارجی،
- عاقل، نبیه.، بی تا، *تاریخ العرب القديم*، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالفکر.
- فرمانیان، مهدی.، مونتگمری وات. (۱۳۸۵). *کشیش پیامبرشناس*، هفت آسمان، ۳۲
- مارتین، ریچارد سی. (۱۳۷۷ ش). «پیشینه مطالعات اسلامی در غرب»، ترجمه سید حسن اسلامی، *دوماهنامه آینه پژوهش*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره ۵۴.
- مارکوشولر. (۱۳۸۶). *پژوهش های قرآنی پس از دوره روشنگری در غرب*، ترجمه سید علی آقایی، هفت آسمان، ش ۳۴
- نویورت، آنگلیکا. (۱۳۹۳). «شکل و ساختار قرآن»، ترجمه: نصرت نیل ساز، آینه پژوهش، سال بیست و پنجم، شماره پنجم و ششم، پیاپی ۱۴۹ و ۱۵۰
- نیل رایسنسون، عیسی در قرآن، عیسی تاریخی و اسطوره تجسد، ترجمه محمد کاظم شاکر، هفت آسمان، ۲۴: زمستان ۱۳۸۳

References

- A. Guillaume. (January 1935). "Book Review", *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland*.
- A. Shorosh, *Islam Revealed: A Christian Arab's View Of Islam*, (1988), *Thomas Nelson Publishers: Nashville*
- Abraham. I. Katsh (1954). *Judaism in Islam, Biblical and Talmudic backgrounds of the Qur'an and its commentaries: SuraII and III*, New

- York Univ Press.
- Aloys Sprcngcr. (2003). *Das Leben und die des Mohammad*, Berlin, 1861—65; repr. Hildesheim.
- Bell Richard. (1968). *The Origin of Islam in its Christian Environment: The Gunning Lectures Edinburgh University 1925*, London: Frank Cass and Company Limited, (reprint).
- Charle C. Torrey. (1993). *The Jewish Foundation of Islam*, New York; Jewish Institute of Reioigion Press.
- Charles Cutler. (1922). *Three difficult passages in the Koran, in A volume of oriental studies presented to E. G. Browne*, ed. T. W. Arnold and R. A. Nicholson, Cambridge.
- Crone, Patricia; Cook, Michael, Hagarism. (1977). *the making of the Islamic world*, Cambridge University Press.
- D. Shepardson. (Apr 1890). "*The Biblical element in the Quran*", *The Old and New Testament Student*, Vol. 10. No. 4
- Dirk Kruisheer&Lucas Van rompay. (Jan 1998). "A Bibliographical Clavi to the Works of Jacob of Edessa", *Journal of syriac Studies*, Vol. 1, No. 1.
- Donner, Fred M. (2010). *Muhammad and the Believers*, At the Origins of Islam (Harvard University Press;
- Dr. A. A. Shorrosh. (n.d). *Islam Revealed: A Christian Arab's View Of Islam*. 1988, Thomas Nelson Publishers: Nashville.
- Einboden, Jeffrey. (2009). The Early American Qur'an: Islamic Scripture and US Canon, *Journal of Qur'anic Studies*, *Edinburgh University Press*, Vol. 11, No. 2.
- G. R. Hawting. (1982). "Review of Die Wiederentdeckung des Propheten Muhammad", *Journal of Semitic Studies*. *Oxford Journals*. 27.
- Irving, Washington. (n.d). *Mahomet and His Successors*, vol. 1, chapter viii: Outlines of the Mahometan Faith
- J. W. Sweetman. (1945). *Islam And Christian Theology: A Study Of The Interpretation Of Theological Ideas In The Two Religions*.
- Katsh, Abraham I. (1962). *Judaism and the Koran, Biblical and Talmudic backgrounds of the Koran and its commentaries*, new York.
- Katsh, Abraham I. (1954). *Judaism in Islam: Biblical and Talmudic backgrounds of the Koran and its commentaries*, New York.
- Khalid al- Khazraj & Others:Constance E Padwick. (1939). "*al-Ghazali & The Arabic Versions Of The Gospels: An Unsolved Problem*", *The Moslem World*.
- Khalid al- Khazraj & Others. (1988). *Is The Bible Really The Source Of The Qur'ân?*, 1388/7/14 at: <http://www.islamic-awareness.org:Ernst Würthwein, The Text Of The Old Testament, Michigan: William B Eerdmans Publishing Company>.

- L. M. Barth. (1973). *An Analysis of Vatican 30,,: Monographs of the Hebrew Union College No. 1*, Hebrew Union College - Jewish Institute of Religion.
- L. Zunz. (1892). *Die Gottesdienstlichen Votrage der Juden: Historisch Entwickelt, Second edition*, Frankfurt: Verlag von J. Kauffmann.
- M. S. M. Saifullah, Mansur Ahmed & Elias Karim. (1992). "On The Sources Of The Story Of Cain & Abel In The Qur'an", 23/ 3/ 1388, at<http://www.islamic-awareness.org/Quran/Sources/BBCandA.html>: M. Maher, Targum Pseudo-Jonathan: Genesis, Translated With Introduction And Notes, Collegevill: Liturgical Press.
- M. S. M. Saifullah, Mansur Ahmed & Elias Karim: N. A. Stillman. (1974). "The Story Of Cain & Abel In The Qur'an And The Muslim Commentators: Some Observations", *Journal Of Semitic Studies*, Vol 19.
- Macdonald, Duncan Black. (1911). *Aspects of Islam*, The Macmillan Company, New York,
- Mingana, (2002), "Syriac Influence on the Style of the Koran", in Ibn Warraq, (ed), *What the Koran Really Says*, Amherst: Prometheus Books.
- Narratives of Islamic Origins (Darwin Press; 1998). *The Beginnings of Islamic Historical Writing*.
- P. Crone. (2015). *Journal of Near Eastern Studies*.
- Pirke De-Rabbi. (2012). *Eli'ezer" in The Jewish Encyclopedia*.
- R. Bell. (1925). "The origin of Islam in its Christian environment" The Gunning Lectures. Edinburgh University Press.
- R. Dvorak, (1884), *Ein Beitrag zur Frage uber die Fremdworter im Koran*, Munchen.
- R. Dvorak, (1885), *Uber die Fremdworter im Koran*, Wien.
- R. Morey. (1992). *The Islamic Invasion: Confronting The World's Fastest Growing Religion*, Harvest House Publishers: Eugene (OR)
- Sidney H Griffith. (1985). "The Gospel In Arabic: An Enquiry Into Its Appearance In The First Abbasid Century", *Oriens Christianus*, Vol 69.
- Sidney H. Griffith. (Leiden 2001-2006). "Christians and Christianity," in *Encyclopaedia Of the Qur'an*.
- Sprenger, (1861), *Das Leben und die Lehre des Mohammed. Nach bisher größtenteils unbenutzten Quellen*, Berlin, Reprint of the German edition
- Targum. in *The Jewish Encyclopedia*, Isidore Singer. (1906). (Managing Editor), USA: Ktav Publishing House inc, Volume, 12
- The Qur'an in its historical context*. (2008). USA: Routledge.

- Tisdall William St. (1912). *Clair, A Word to the Wise: Being a defence of the "Sources of Islam"*, London and Madras: The Christian Literature Society For India,.
- Torrey, Charles C. (1892). *The Commercial-Theological Terms in the Koran*, May 7th, Leyden - E. J. Brill, 1892
- Torrey, Charles Cutler, (1933). *"The Jewish Foundation of Islam,"* New York: Jewish Institute of Religion.
- Über den Ur-Qur'an. (1974). *Ansätze zur Rekonstruktion vorislamischer christlicher Strophenlieder im Qur'an*. Erlangen: Lüling.
- Uri Rubin, (1993). "Iqra bi-smi rabbika" Some notes on the interpretation of Surat al- Allaq", *Isarael Oriental Studies*, 13.
- Wansbrough, John, (1977). *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation* (Oxford, 1977)
- Wansbrough, John, (1978). *The Sectarian Milieu: Content and Composition Of Islamic Salvation History* (Oxford, 1978)
- Wilfred Cantwell Smith, "A not on the Qura'n from a comparative perspective", Wael B. Hallag(author, Editor), (1999). *Islamic Studies Presented to Charles J. Adams*, Leiden: Brill Academic Publishers.

References [in Persian]

- The Holy Quran
- Aqil, Nabih., (n.d.), *Tarikh al-Arab al-Qadim*, third edition, Beirut, Dar al-Fikr. [in Arabic]
- Bell, Richard., revision: Montgomery Wat., (2012). *An introduction to the history of the Qur'an, translated by Bahauddin Khorramshahi*, first edition, Center for the translation of the Holy Qur'an into foreign languages.
- Darra Haddad, Yusuf., (1993). *Al-Qur'an and Al-Kitab*, Beirut: Al-Maktaba Al-Bulsiyya. [in Arabic]
- Farmanian, Mahdi., Montgomery, Wat., (2006). *Priest Prophet*, Haft Aseman, 32
- Javad, Ali., (1992). *Al-Mafsal Fi Tarikh al-Arab before Islam*, Baghdad, published by Jamaat Baghdad, second edition. [in Arabic]
- Joseph Horowitz., (1925). *Jewish Proper Names and Derivatives in the Qur'an*, *Hebrew College Annual*, Year 6. 11, Ohio
- Martin, Richard C., (1998). "The Background of Islamic Studies in the West", translated by Seyed Hasan Eslami, *Journal of the Mirror of Research, Research Institute of Islamic Sciences and Culture*, number 54. [in Persian]
- Marcoshuler., (2007). *Quranic studies after the Enlightenment period in the West*, translated by Seyed Ali Aghaei, *Haft Aseman*, Vol. 34. [in Persian]

بررسی و نقد تأثیرپذیری قرآن از عهدین؛ ریاحی مهر | ۲۶۱

- Neuwert, Angelica., (2013). *"The Shape and Structure of the Qur'an"*, translation: Nosrat Nilsaz, Aieneh Pazhouhesh, year 25, numbers 5 and 6, consecutively 149 and 150. [in Persian]
- Neil Robinson, (Winter 2013). *Jesus in the Qur'an, the historical Jesus and the myth of the incarnation*, translated by Mohammad Kazem Shaker, Haft Aseman, 24. [in Persian]
- Poua, Azam. (1979). *Quran's encounter with Christian culture*, Tehran, Hasti-Nama. [in Persian]
- Theodore Noldeke., (1919). *Tarikh al-Qur'an*, second edition, Dietrich Publishing House, second edition



استناد به این مقاله: ریاحی مهر، باقر. (۱۴۰۰). بررسی و نقد تأثیرپذیری قرآن از عهدین، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۲(۴۳)، ۲۳۵-۲۶۱.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.68021.1842



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.